

در بین آثار بهمنی «گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود» در رشد غزل معاصر، مجموعه‌ای تأثیر گذار است. عشق از جمله مضمون غزل‌های اوست. بسیاری بر این عقیده‌اند که غزل‌های او وام‌دار سبک و سیاق نیما یوشیج است. آنچه‌آن که خود او گفته بود «جسم غزل است اما روح همه نیمایی است؛ در آینه تلفیق این چهره تماشایی است.» «باغ لال»، «در بی‌ورزی»، «این خانه‌ها و آوازهای نسوزی دارد»، «شاعر شنیدنی است»، «چتر برای چه، خیال که خیس نمی‌شود»، «هن زنده‌ام هنوز و غزل فکر می‌کنم» از دفتر‌های شعر او هستند.

محمدعلی بهمنی؛ شاعری که پای غزل پست‌مدرن ایستاد

«محمدعلی بهمنی» اتفاق بزرگی را در سپهر ادبی کشور رقم زد؛ حلقه واسط منقطع و خیرخواهانه‌ای برای انتقال فرآیند کلاسیک و مدرن غزل به دوره پست‌مدرن داشت و به همه ارکان این گونه شعری وفادار بود اما بر سر غزل پست‌مدرن، حمیت و غیرتی داشت تا بتواند سنگ‌بنای هنر تخصصی خود را در میان دوستان و آفر این گونه‌تکرر دهد. ساحت ادبی کشور، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های خود را از دست داد. چهره‌ای که توانست ضمن واسطه شدن میان انگاره‌های غزل دیروز و امروز، و چهره فنی این بداعت را ارتقا داده و آن را با ارزش افزوده‌ای همراه کند که محک و خوانایی آن برای نسل‌های امروزی از لذت فراوانی برخوردار است. محمدعلی بهمنی مصراعی دارد که امروز با اطمینان می‌توانیم آن مصراع را سنگ‌بنای هنر او در شعر بدانیم. او سروده بود: «جسم غزل است اما، روح همه نیمایی است». همین بدعتی که بهمنی به آن باور داشت، فوران جریان ادبی در عصر کنونی شد. جایی که وی تمام مزیت‌های غزل سنتی و ابتکارات شعر نیمایی را یکدیگر تلفیق کرد و به سرایشی رسید که نمونه آن، در سپهر ادبی کشور کم‌نویز و بروز چندان نبود. همین خصیصه جالب سبب شد تا وی در عرصه ترانه نیز همپای غزل، دیده و فهمیده شود. در دهه‌های اخیر و علی‌الخصوص از اواخر دهه ۷۰ تا به امروز، نسل جوان بیشتر او را با ترانه‌های ماندگارش می‌شناسند. آن‌قدری که سبب شد تا بهمنی بتواند همپای غزل در سرایش ترانه نیز به مرزهای جاودانگی برسد. بیان استعارین ساده از نالیسم‌های اجتماعی بود. او برای چنین چارچوبی، خود را محصور قیدها و صفت‌ها نکرد. زواند را از شعرش گرفت و مستقیماً، هسته مرکزی سوزش را مورد پردازش قرار داد.

اینجا برای آن تو نوشتن هواکم است
دنیای برای آن تو نوشتن مرا کم است
اکسیر من نه این که مرا شاعر تازه نیست
من از تو می‌نویسم و این کیمیا کم است
سرشارم از خیال ولی این کفاف نیست
در شعر من حقیقت یک ماجرا کم است
تا این غزل شبیه غزل‌های من نشود چیزی شبیه عطر حضور شما کم است
گاهی ترا کنار خود احساس می‌کنم اما جقدر دل خوشی خواب‌ها کم است
خون هر آن غزل که نگفتم به پای توست
آیا هنوز آمدنت را باها کم است

همین صنعت، در ترانه‌های بهمنی، شکل صریح‌تری پیدا می‌کند و چون برآمده از حقیقت‌های روز جامعه است، خیلی زود به دل مخاطب می‌نشیند. البته در این هنر نیما، یک عنصر مهم دیگر نیز به چشم می‌خورد و آن اینکه عمده اشعار و ترانه‌های بهمنی، از زبان اول شخص مطرح می‌شود و شاعر آگاهانه از آن فضای پند گونه و روایت سوم شخص پرهیز می‌کند. به همین دلیل این همانی شگرفی میان اتمسفر عموماً عاشقانه شاعر با مخاطبش ایجاد شده و ارتباطی ساده و فراگیر میان فضای آن غزل و ترانه با خواننده‌اش به وجود می‌آید.

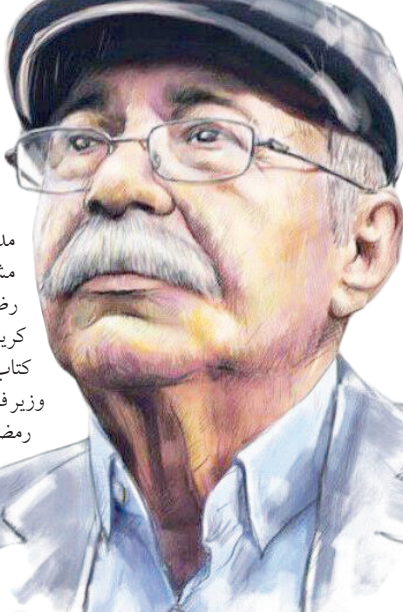
ساده بگم دهاتی‌ام
اهل همین نزدیکیا
همسایه و نشینی و هم‌خونه
تاریکیا
ساده بگم ساده بگم
بوی علف میده تنم
هنوز همون دهاتی‌ام
باهمه شهری شدیم
باغ غریب ده من
گل‌های زینتی نداشت
اسب نجیب ده من
تعلاقی قیمتی نداشت
اما همون چار تا دیوار
با بوی خوب کاکلش
اما همون چن تا خونه

با مردم ساده‌دلش
برای من که عکسمو مدتی تو آب
چشمه ندیدم
برای من که شهری‌ام از اون هوا
دل پریدم
دنیا بیه که دیدندش
اگر چه مثل قدیم
راه درازی نداره
اما می‌دونم که دیگه
دنیا ی خوب سادگی
به من نیازی نداره

بهمنی با این سبک ساختاری در غزل و ترانه، توانست ساحت این هنر را که جرعه آن با سیمین بهبهانی، منوچهر گلستانی و حسین منزوی زده شده بود، با فهم امروزی مخاطبانش، به روز کند. می‌دانست پس از کهن‌الگوهای غزل سنتی و ذوق‌زدگی‌های افراطی که به واسطه مناسبات عموماً اجتماعی در پس غزل مدرن وجود دارد، مخاطب در پی یک هوای تازه است. بهمنی این هوای تازه را با غزل پست‌مدرن خود برای مخاطبان به یادگار گذاشت. در چنین فضای، او با کمترین مخالفتی همراه بود و توانست مرزبندی چنین نگاهی را در غزل و ترانه، با فراخی‌بال بگستراند و جریانی را برای شاعران نوپا بیاورد که به چنین سبکی، پروبال دهند.

با همه بی سر و سامانی‌ام
باز به دنبال پریشانی‌ام
طلاقت فرسوگی‌ام هیچ نیست
در پی ویران شدن آن‌ام
آمده‌ام بلکه نگاهم کنی
عاشق آن لحظه طوفانی‌ام
دل خوش گرمای کسوی نیستم
آمده‌ام تا تو بسوزانی‌ام
آمده‌ام با عطش سال‌ها
تا تو کمی عشق بنوشانی‌ام
ماهی برگشته ز دریاشدم
تا تو بگیر و بمیرانی‌ام
خوب‌ترین حادثه‌ی منی‌ام
خوب‌ترین حادثه‌ی منی‌ام؟
حرف بزنی این مرا با کزن
دیر زمانی است که بارانی‌ام
حرف بزنی حرف بزنی سال‌هاست
تشنه یک صحبت طولانی‌ام
ها... به کجای می‌کشی‌ام خوب من؟
ها... نکشانی به پیشمانی‌ام!
امروز اما جای خوشی‌وقت بسیار است وقتی می‌بینم تفکر بهمنی در زمان حیاتش به شدت درک شد و این بر خلاف حقیقتی است که برای بسیاری از شاعران جریان معاصر در حوزه شعر غزل، سراسر ساز این کهن دیوار رقم خورده است. سادگی، مثبت‌اندیشی و گزارش صریح و درست از مناسبات فردی و اجتماعی در اشعار و ترانه‌های بهمنی سبب شد تا شاعر

او ادامه داد: گسست از شعر گذشته، یک عمل آوانگار محسوب می‌شود. اساساً آوانگار کسی است که ناگهان سنت را کنار می‌گذارد و در اثرش کمتر و یا هیچ نسناسی از سنت نمی‌بیند اما شاعران پیشرو این تغییرات را بطی اجرا می‌کنند و بنابراین شما حرکت متکی بر گسست نمی‌بینید بلکه حرکت متکی بر پیوست با سنت می‌بینید. در واقع هرگز حرکت‌های متکی بر گسست نیستند، بلکه حرکت‌هایی است، بلکه حرکت‌هایی سطحی، آهسته و متکی بر پیوست



صدای بندر عباس رفت تا ملکوت ...

محمدعلی بهمنی، جان غزل امروز؛ از تهران تا دریا

محمدعلی بهمنی شاعر و غزل‌سرای معاصر متولد سال ۱۳۲۱ در دزفول بود و شامگاه نهم شهریور در پی عارضه مغزی در ۸۲ سالگی از دنیا رفت.

خوش نشان داد و همیشه پشتیبان این غزل بود. او با شاعران جوان که از دهه ۱۳۷۰ به بعد رویکردهای پست‌مدرن به غزل داشتند، هم‌راه بود و همواره آن‌ها را پشتیبانی می‌کرد.

هرگز نشده به دلیل اینکه خودش به سنت وفادار است، به غزل‌های آوانگار که اساساً با سنت بی‌بانه‌ای ندارند، تندی کند بلکه همواره وجه حمایت‌کننده داشت. شکارسری در پاسخ به اینکه شاید این نگاه او را رویکردش ناشی می‌شود که می‌گفت «هنرمند دوست دارد در هنرش گستاخانه جلو رود؛ بنابراین «شاعران جوان هم این گستاخی را در صدرشان نشان دادند.» گفت: صدر صد از آن این رویکرد بوده که این موضوع ناشی از مشرب شاعرانه است. در مشرب شاعران این را داریم که «سخن نو آره که نور از حلاوتی ست دگر». به همین خاطر

خوش نشانی مدیرعامل سوره مهر و بسیاری از هنرمندان و علاقمندان این شاعر حضور داشتند.
رضوی: بهمنی در ذهن تاریخی مردم ایران باقی می‌ماند
دولبور و بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون در این مراسم با بیان اینکه مردم‌داری و مردم‌دوستی بهمنی یکی از بارزترین صفات او بود، گفت: این ویژگی را می‌توانید در شعرهای بهمنی ببینید. زندگی بهمنی با مردم عین بود. بهروز رضوی در ادامه یکی از غزل‌های بهمنی را خواند.

او ادامه داد: شعرهای بهمنی همیشه مورد توجه اهل ادب بود، بهمنی همواره در کنار مردم زندگی کرد و زبان حال مردم بود. بهمنی به دلیل که از مردم مایه می‌گرفت همواره در ذهن تاریخی مردم ایران باقی خواهد ماند.

وحدت (پهنه رودکی) برگزار شد. در این مراسم سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدمحمود اسلامی معاون توسعه و مدیریت منابع، نیکمات حسینی پور مشاور صندوق اعتباری هنر، رضا اسماعیلی شاعر، ابراهیم کریمی رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان، محمد هاشمی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی رضائیان دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، مهدی قزلی رئیس خانه شعر و ادبیات، علی رضائی مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات، صندوق هنر هستند اما شاید همه آن‌ها نتوانند از نهایت امکانات استفاده کنند. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه حتی افرادی که اثر مکتوب نداشته باشند، هم می‌توانند از امکانات صندوق هنر استفاده کنند، ادامه داد: ممکن است افرادی باشند که تعداد آثار مکتوب طبق آیین‌نامه نداشته باشند یا میان انتشار آثار آن‌ها فاصله افتاده باشد. آنها با درخواست خوشان از زیبایی می‌شوند و اگر صلاحیت لازم داشته باشند، به لیست اضافه می‌شوند.

من دل سپردم بودم

در ادامه این مراسم هومن بختیاری موسیقی‌دان مطرح کشور، غزل «او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم» خواند. این هنرمند با بیان اینکه بهمنی از تمام بادهای روزگار آزاد بود، گفت: او همچون نیلوفر زیباست.

تمام تلاش بهمنی آشتی دادن گروه‌های مختلف شعری بود

محمد سلمانی با اشاره به اینکه از سال ۶۴ بهمنی دوستی دارد، گفت: در این سال‌ها از بسیار آموختم اما در اجرا ضعیف بودم نتوانستم مانند بهمنی باشم. در طول تاریخ ادبیات با دو گونه شاعر مواجه هستیم. یکی که دور خود دیوار کشیدند اما بهمنی برای همه جا داشت. این شاعر با اشاره به اینکه تمام تلاش بهمنی آشتی دادن گروه‌های مختلف شعری بود، گفت: کسی را ندیدم که از بهمنی ناراحت باشد و بخواهد از او فاصله بگیرد.

انتشار بهمنی از ابتدا قوی و تاثیرگذار بود

علی جان‌دار خواننده نیز در سخنان



کوتاهی با اشاره به دوستی صمیمی او با بهمنی، گفت: محمدعلی بهمنی در جمع شعرا مشخص بود. اشعار او و حسین منزوی از ابتدا قوی و تأثیرگذار بود.

مهریانی رسالت پذیر بود
غزل بهمنی با اشاره به اینکه در جمع دوستانان پدر و ازگان الکن هستند، گفت: مهریانی رسالت پذیر بود. ما که با او زیسته‌ایم دیدیم که او همه شعرهایش را زیسته بود. همیشه صادق بود و ۸۲ سال با کودک درونش زیست.

دختر غزل‌سرای پیشکسوت با تأکید بر اینکه بهمنی همواره با زبان محبت سخن گفت، ادامه داد: او توانست برای شعر و فرهنگ ایران زمین موثر باشد. میراث او شعرهایی است که بر جان مردم نشست است. خوشحالم که بهمنی زنده است. هنوز و غزل فکر می‌کند. او افزود: در وجود پدر بانی رنگی نداشت. اما اگر کسی از پدر رنجیده بر ما ببخشاید. مراسم تشییع و بزرگداشت زنده یاد بهمنی در محل فرهنگسرای آوینی بندرعباس برگزار و محل خاکسپاری این استاد شعر و غزل‌نویس نیز در ضلع جنوبی تالار آوینی در نظر گرفته شد.

احمدوند: استاد بهمنی عزت نفس و استغنا داشتند

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین بدرقه محمدعلی بهمنی با اشاره به اقدامات صندوق هنر در سال‌های اخیر، گفت: در چند سال گذشته صندوق هنر تلاش کرده تا شرایط بهتری را برای اهالی فرهنگ و هنر فراهم کند، البته تا جایی که امکانات وجود دارد و شرایط صندوق قادر به انجام آن است. در مجموع می‌توان گفت شرایط بهتر شده است اما همچنان می‌توان شرایط بهتری برای ادیبان و هنرمندان مهیا کرد. یاسر احمدوند درباره رفتار و اخلاق بهمنی، توضیح داد: استاد بهمنی عزت نفس و استغنا داشتند و نیازمند کمک‌های مادی نبودند. دید و بازدیدهای مستمر و رفت و آمدهای با او وجود داشت و از احوال او باخبر بودیم. همچنین همواره در جامعه مورد تکریم و توجه بودند. یعنی بهمنی از طرف مردم و نهادهای فرهنگی مورد

ساحت ادبی کشور، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های خود را از دست داد. چهره‌ای که توانست ضمن واسطه شدن میان انگاره‌های غزل دیروز و امروز، و جوه فنی این بداعت را ارتقا داده و آن را با ارزش افزوده‌ای همراه کند که محک و خوانایی آن برای نسل‌های امروزی از لذت فراوانی برخوردار است.

از هنرمندان اصیل این چنین است که با حرکت‌های پیشرو در شعر حتی اگر خودشان همراه نشوند مخالفت هم نکرده و آن را تقویت هم می‌کنند.
آیین وداع تهرانی‌ها با محمدعلی بهمنی؛ او در ذهن تاریخی مردم ایران باقی می‌ماند
آیین بدرقه زنده یاد محمدعلی بهمنی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولان و دوستان این غزل‌سرد پهنه رودکی برگزار شد. آیین بدرقه زنده یاد محمدعلی بهمنی این شاعر و غزل‌سرای برجسته از مقابل تالار

اتفاق افتاد. محمدعلی بهمنی به اتفاق کسانی که از آنها یاد داشت، در جریان تمسیر غزل سنتی به سبک غزل پیشرو نقش داشتند. او سپس بیان کرد: نگفته نماند، غزل بهمنی علی‌رغم نوگرایی با پیشنهادهای رادیکالی غزل‌سرایان جوان محبوب ادبی که میراث محمدعلی بهمنی است، بی‌فزیاید.
محمدعلی بهمنی؛ شاعری نوگر اما غیر آوانگار
حمیدرضا شکارسری، بهمنی را از شاعرانی می‌خواند که به صورت تدریجی در غزل تغییر ایجاد کرده بود اما علی‌رغم نوگرایی‌اش هرگز با پیشنهادهای رادیکال غزل‌سرایان جوان، منطبق نشد. این شاعر و منتقد ادبی در پی درگذشت محمدعلی بهمنی درباره جایگاه این شاعر و ترانه‌سرا، اظهار کرد: در ادبیات، اساساً تغییرات متکی بر گسست نیست بلکه متکی بر پیوست است. یعنی هرگاه شعری می‌خواهد تغییر یا پوست‌اندازی کند این عمل به تدریج و اتفاق می‌افتد. به صورت ناگهانی برش و گسست از شعر گذشته اتفاق نمی‌افتد.

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
روزنامه